



## خواهران ورزشکار



در یک شهر کوچک و زیبا، سه خواهر ورزشکار زندگی می‌کردند که هر کدام در رشته‌ای متفاوت فعالیت می‌کردند. خواهر بزرگتر، سارا، بسکتبالیست بود. خواهر میانی، نازنین، ژیمناستیک کار بود و خواهر کوچکتر، لیلا، شناگر بود.

یک روز، این سه خواهر و چند نفر از دوستانشان در حیاط مدرسه جمع شدند و شروع به بحث و گفتگو کردند. هر کسی از مهارتی که داشت، صحبت می‌کرد.

سارا گفت: بسکتبال به هماهنگی دست و چشم، قد بلند و پرش بالا نیاز دارد. نازنین گفت: ژیمناستیک هم به هماهنگی بالایی نیاز دارد، اما بیشتر روی انعطاف‌پذیری و تعادل تمرکز می‌کند. لیلا هم توضیح داد: شنا هم به هماهنگی و استقامت نیاز دارد. سارا گفت: آیا موافق هستید یک معما طراحی کنم؟ همه استقبال کردند. قد من ۱۲۰ سانتی‌متر است. نازنین ۳۰ سانتی‌متر کوتاه‌تر از من است. نازنین با هیجان گفت: این ایده عالی است! لیلا اضافه کرد: من می‌توانم بگویم که قد من ۲۰ سانتی‌متر بلندتر از نازنین است. این باید کافی باشد تا دوستانمان بتوانند قد ما را محاسبه کنند.





دوستان مشغول محاسبه قد آن‌ها شدند. مریم توانست پاسخ معما را پیدا کند، همه او را تشویق کردند. سارا پیشنهاد داد بهتر است یک مسابقه‌ی جدید ترتیب دهیم. هر کدام از ما یک مانع را طراحی می‌کنیم و بقیه باید از آن عبور کنند. همه با این پیشنهاد موافق بودند. سارا یک مسیر پر از مانع بسکتبالی طراحی کرد که دوستانش باید با پرتاب توپ به سبد، از آن‌ها عبور می‌کردند. نازنین هم یک مسیر ژیمناستیک طراحی کرد که دوستان باید از روی حلقه‌ها و میله‌ها عبور می‌کردند. لیلا هم یک مسیر آبی کوچک درست کرد که دوستان باید با شنا کردن از آن عبور می‌کردند. در طول مسابقه، دوستان با هم همکاری کرده و به یکدیگر کمک می‌کردند. هر کسی سعی می‌کرد بهترین عملکرد خود را نشان دهد. در پایان مسابقه، همه خسته اما خوشحال بودند. آن‌ها فهمیدند که هر کدام از آن‌ها توانایی‌های خاص خود را دارند و با همکاری هم می‌توانند به موفقیت‌های بیشتری دست پیدا کنند.

بعد از مسابقه، سه خواهر تصمیم گرفتند که یک باشگاه ورزشی کوچک در حیاط خانه‌شان راه‌اندازی کنند. آن‌ها برنامه‌های ورزشی متنوعی برای کودکان طراحی کردند و به آن‌ها آموزش دادند. باشگاه آن‌ها خیلی زود معروف شد و بچه‌های زیادی برای یادگیری ورزش‌های مختلف به آنجا می‌آمدند.

به مرور زمان، باشگاه ورزشی سه خواهر به یک مرکز آموزشی بزرگ تبدیل شد. آن‌ها نه تنها به کودکان، ورزش آموزش می‌دادند، بلکه به آن‌ها اعتماد به نفس و روحیه‌ی همکاری را نیز یاد می‌دادند.

یک روز، یک مسابقه‌ی ورزشی بین مدارس شهر برگزار شد. تیم بسکتبال مدرسه با تلاش و تمرین زیاد مقام اول را کسب کردند. تیم ژیمناستیک نیز عملکرد بسیار خوبی داشت و تیم شنا نیز موفق شد مدال برنز را به دست آورد. بعد از مسابقه، شهردار شهر به سراغ سه خواهر رفت و از آن‌ها تشکر کرد. او گفت: شما با تلاش و پشتکار خود، الگویی برای همه جوانان شهر شده‌اید. شما نشان دادید که با همکاری و تلاش می‌توان به هر چیزی دست یافت.

سه خواهر با لبخندی بزرگ به شهردار نگاه کردند و گفتند: ما از اینکه توانسته‌ایم به مردم شهرمان خدمت کنیم، بسیار خوشحالیم.





داستان را خواندی، حالا به سوال ها پاسخ بده.

- ۱) سه خواهر در چه رشته‌های ورزشی فعالیت می‌کردند؟  
.....
- ۲) نام خواهری که شناگر بود، چه بود؟  
.....
- ۳) کدام خواهر کوتاه‌ترین قد را داشت؟  
.....
- ۴) ویژگی های بسکتبالیست ها چیست؟  
.....
- ۵) تیم کدام ورزش در مسابقه‌ی بین مدارس مقام اول را کسب کرد؟  
.....
- ۶) اگر سارا ۱۲۰ سانتی‌متر قد داشته باشد و نازنین ۳۰ سانتی‌متر کوتاه‌تر از او باشد، قد نازنین چقدر است؟  
.....
- ۷) اگر لیلا ۲۰ سانتی‌متر بلندتر از نازنین باشد و قد نازنین ۹۰ سانتی‌متر باشد، قد لیلا چقدر است؟  
.....
- ۸) قد هر سه خواهر روی هم چند سانتی متر می‌شود؟  
.....

